


The Identity Crisis and France Muslims: The Competition of Traditional, Secular and Fundamental Islam

Mahdi Javdani Moqaddam 

Assistant Professor of International Relations, Imam Sadiq University, Tehran. Iran.
(Corresponding Author), Javdani@isu.ac.ir

Ali Mohseni

Assistant Professor of Political Science, Islamic Azad University Qom Branch, Qom, Iran
Dr.amohseni@gmail.com

Abstract

Objective: This article seeks to address the socio-political situation of French Muslims and the different political, social and cultural perspectives of the three generations of Muslims in this country, as well as to evaluate the French government's policies towards them, due to the escalation of identity crisis among French Muslims. This interaction has created the ground for the growth of terrorism and the intensification of Islamophobia in France.

Method: This article is based on descriptive-analytical method by using library and internet resources.

Findings: Environmental and psychological contexts of identification among the second and third generations of French Muslims and the competition between ethnic and national traditionalism with integration in European Islam or the third option, extremism and fundamentalism, are the most important causes of the identity crisis among the Muslims. This issue has led to the deepening of the identity gap based on their secularism and Islamic values.

Conclusion: French Muslims are one of the largest Muslim communities in Europe, whose socio-political status reflects the limitations and problems they face. In this context, the failure of the French government's assimilation policy in the reconstruction of European Islam and the recent terrorist attacks in this country challenge the identification of Muslim youth among generations and the triple Islamic reading from ethnic traditionalism to secular Islam and Islamic fundamentalism. These conditions, in a social and identity context, lead to the reproduction of radical policies and actions by the government, French citizens and Muslims of this country.

Keywords: Islam, Muslims, European Islam, Islamic fundamentalism, France.

Article Type: Research

* Received on 26 June 2021 Accepted on 6 November, 2021

Cite this article: Javdani Moqaddam & Mohseni (2021) The Identity Crisis and France Muslims: The Competition of Traditional, Secular and Fundamental Islam, Fall 2021, Vol.10, NO.3,85-106
DOI: 10.30479/psiw.2021.15780.3013

© The Author(s).




Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Mahdi Javdani Moqaddam

E-mail: Javdani@isu.ac.ir

بحران هویت و مسلمانان فرانسه: رقابت اسلام سنتی، اسلام سکولار و بنیادگرایی

اسلامی

مهدی جاودانی مقدم 

استادیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسوول) Javdani@isu.ac.ir

علی محسنی

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران Dr.amohseni@gmail.com

چکیده

هدف: این مقاله تلاش می‌کند تا با اشاره به وضعیت سیاسی - اجتماعی مسلمانان فرانسه و دیدگاه‌های متفاوت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سه نسل مسلمانان این کشور و همچنین ارزیابی سیاست‌های دولت فرانسه در قبال آنان، به علل تشدید بحران هویت در میان مسلمانان فرانسه و تعامل متقابل آنان و دولت این کشور که از یکسو زمینه رشد تروریسم و از سوی دیگر تشدید اسلام‌هراسی را در فرانسه به وجود آورده است، بپردازد.

روش‌شناسی: این مقاله بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام شده است.

یافته‌ها: زمینه‌های محیطی و روان‌شناختی هویت‌یابی در میان نسل‌های دوم و سوم مسلمانان فرانسه و رقابت میان سنت‌گرایی قومی و ملی با ادغام‌گرایی در اسلام اروپایی و یا گزینه سوم؛ یعنی افراط‌گرایی و بنیادگرایی، مهم‌ترین علل تشدید بحران هویت در میان مسلمانان این کشور بوده که به تعمیق شکاف هویت مبتنی بر لائسیته و ارزش‌های اسلامی آنان منجر شده است.

نتیجه‌گیری: مسلمانان فرانسه، یکی از بزرگترین جوامع مسلمان در اروپا به حساب می‌آیند که وضعیت زیست سیاسی - اجتماعی‌شان، نشان دهنده محدودیت‌ها و مشکلات بسیار فراروی آنان است. در این شرایط، ناکامی سیاست همسان‌سازی دولت فرانسه در بازسازی اسلام اروپایی و حملات تروریستی اخیر در این کشور، بر چالش هویت‌یابی جوانان مسلمان در میان نسل‌ها و قرائت سه‌گانه اسلامی از سنت‌گرایی قومی تا گرایش به اسلام سکولار و بنیادگرایی اسلامی، دامن زده است. این شرایط، در بستر و زمینه‌ای اجتماعی و هویتی، به بازتولید سیاست‌ها و اقدامات رادیکال از سوی دولت، شهروندان فرانسوی و مسلمانان این کشور منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: اسلام، مسلمانان، اسلام اروپایی، بنیادگرایی اسلامی، فرانسه.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۴/۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۸/۱۵

استناد: جاودانی مقدم و محسنی (۱۴۰۰)، بحران هویت و مسلمانان فرانسه: رقابت اسلام سنتی، اسلام سکولار و بنیادگرایی

اسلامی، پاییز ۱۴۰۰، دوره ۱۰، شماره ۳، پیاپی ۳۹، ۸۵-۱۰۶

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©



۱- مقدمه

جمهوری فرانسه با مساحت ۵۴۳۹۶۵ کیلومتر مربع که تقریباً معادل یک سوم خاک ایران است، در غرب اروپا قرار دارد. جمعیت کشور فرانسه، بالغ بر ۶۵ میلیون نفر می‌باشد (Worldometer, 2021) که در این میان، بر اساس آمارهای مختلف موجود، حدود ۷ تا ۱۰ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان تشکیل می‌دهند. بر این اساس، فرانسه دارای بیشترین جمعیت مسلمان در بین کشورهای اروپایی است. با این وجود، با توجه به این که نظام سیاسی حاکم بر این کشور، مبتنی بر لائیسیتته^۱ و سیاست جذب مهاجران در بدنه اصلی جامعه آن نیز مبتنی بر همسان‌سازی است، از این رو، مسلمانان در فرانسه با مشکلات و چالش‌های بسیاری مواجه هستند. در واقع، لائیسیتته حاکم بر نظام حکومتی فرانسه با حضور مسلمانان در فرانسه برخورد پیدا کرده است. در این وضعیت، سیاست همسان‌سازی و تلاش برای جذب مسلمانان آن کشور، در جامعه مسیحی با اولویت فرانسوی بودن در درجه اول و سپس حفظ اعتقاد به اسلام و همچنین تبعیض‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز سبب شده است تا مسلمانان در فرانسه در شرایط پیچیده و دشواری برای حفظ هویت و ارزش‌های دینی خود قرار گیرند.

علاوه بر این، با توجه به نگرش منفی و توأم با سوءظن مردم فرانسه، نسبت به مسلمانان و تشدید این مسأله بویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و ماجرای شارلی ابدو^۲ و حملات تروریستی اخیر، عملاً با افزایش مشکلات مسلمانان برای زندگی مسالمت‌آمیز با دیگران در فرانسه، روند سرخوردگی روزافزون مسلمانان رشد یافته و تمسک هرچه بیشتر آنان به دین اسلام و هویت مذهبی‌شان تقویت شده است. نتیجه این وضعیت، از یکسو به افزایش تمایل برخی از مسلمانان بنیادگرای فرانسوی برای پیوستن به گروه‌های سلفی و تکفیری منجر شده و محدودیت‌های بسیار بیشتری را برای همه مسلمانان فرانسه از سوی دولت و از سوی غیرمسلمانان به وجود آورده است. از سوی دیگر، این مسأله با سیاست‌های دولت فرانسه جهت جذب مسلمانان این کشور و چالش هویت اسلام فرانسوی برای مسلمانان این کشور همراه شده است؛ به گونه‌ای که به تازگی به فشار برای پذیرش «مشور ارزش‌های جمهوری خواهانه»^۳ از سوی دولت این کشور منجر شده است. این مقاله، به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که مهم‌ترین علل تشدید بحران هویت در میان مسلمانان فرانسه چیست و چه پیامدهایی به دنبال دارد؟ فرضیه این مقاله بر این اساس شکل گرفته است که زمینه‌های محیطی و روان‌شناختی هویت‌یابی در میان نسل‌های دوم و سوم مسلمانان فرانسه و رقابت میان سنت‌گرایی قومی و ملی، با ادغام‌گرایی در اسلام اروپایی و یا گزینه سوم؛ یعنی افراط‌گرایی و بنیادگرایی، مهم‌ترین علل تشدید بحران هویت در میان مسلمانان

1. Laïcité
2. Charlie Hebdo
3. charter of republican values

این کشور بوده که به تعمیق شکاف هویت مبتنی بر لائسیسته و ارزش‌های اسلامی آنان منجر شده است.

۲- چارچوب مفهومی

هویت را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین موضوعات در حوزه علوم اجتماعی و انسانی دانست که از دیدگاه‌های متفاوت و متعارض در روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، انسان‌شناسی و ... مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع، فهم و درک هویت در پاسخ به این سوال که «من که هستم» یا این که «ما که هستیم»، از زوایای متفاوتی توسط اندیشمندان مختلف ارائه شده است. با این وجود، شاید بتوان در یک تقسیم‌بندی اولیه، میان هویت به‌عنوان مسأله‌ای فردی (که بیشتر در روان‌شناسی به آن پرداخته می‌شود) و هویت به‌عنوان مسأله‌ای جمعی (که بیشتر در جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد) تمایز قائل شد، اما به نظر می‌رسد، هویت را باید حس و علقه‌ای از تعامل عین و ذهن و در ترکیب هویت فردی و جمعی جستجو کرد که در روان‌شناسی اجتماعی به آن پرداخته می‌شود.

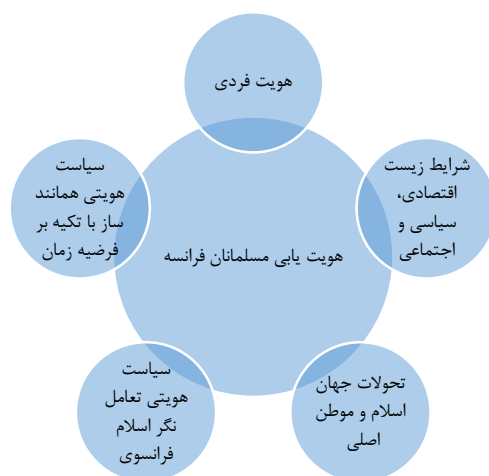
در این چهارچوب، سه دیدگاه در مورد هویت ارائه شده است. دیدگاه اول؛ در برداشتی سنتی از هویت، آن را فرایندی وجودی و از قبل تعیین شده تلقی می‌کند که در چهارچوب مؤلفه‌های شخصی (مانند اصل و نسب و محل تولد) با هویت جمعی در تعامل با گروه‌های کوچک با پیوند خونی، تعریف می‌شود. دیدگاه دوم؛ در قالب رویکردی مدرن، با تمرکز بر هویت فردی، امکان ساخت هویت مدرن و متمایز با هویت پیشینی را در دستور کار قرار می‌دهد. بر اساس دیدگاه سوم؛ در نگرشی پسامدرن، بر برساختگی هویت، شالوده‌شکنی و شکل‌گیری و نیز تأثیرپذیری هویت اجتماعی در فرایند ساخت هویت به‌عنوان امری انتخابی و برساخته تمرکز می‌شود (دوران، ۱۳۸۹: ۱۵۹-۱۶۰). با پذیرش هریک از این سه دیدگاه، نظریات متعدد و متفاوتی در مورد وضعیت هویت و هویت‌یابی اقلیت‌های مذهبی، قومی، ملی، مهاجران و ... در جوامع چندفرهنگی و مهاجرپذیر مطرح شده است و بر اساس آن‌ها، سیاست‌های متفاوتی توسط دولت‌های حاکم در راستای مقابله با چالش‌های هویتی و جلوگیری از گسترش آن، به‌سوی بحران هویت در کشورها به اجرا گذاشته شده است که دو نظریه کلاسیک «هماندسازی^۱» و «همگرایی^۲»، مهم‌ترین نظریاتی هستند که در مورد ادغام مسلمانان در اروپا و بویژه در فرانسه مورد توجه قرار گرفته‌اند.

نظریه هماندسازی در روند غیریت‌سازی، با تمایز «خود» و «دیگری» و نگرشی تهدیدمحور، بر ضرورت همگون‌سازی و استحاله فرهنگی در جامعه میزبان تأکید می‌کند. بر اساس این نظریه،

1. Assimilation and
2. Integration

با تکیه بر فرضیه زمان، با گذشت زمان، نسل‌های دوم و سوم مهاجران و اقلیت‌های مذهبی، احساس تعلق و وابستگی خود به فرهنگ اصل و اولیه را از دست می‌دهند؛ لذا باید در چهارچوب سیاستی همانندساز، نسبت به ادغام آنان در میان مردم کشور اقدام کرد. نظریه همگرایی، با تأکید بر تجربه ناکام سیاست‌های همسان‌سازی، بر ضرورت پذیرش اصل چندفرهنگ‌گرایی و اصالت تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، همگرایی را فرایندی دوجانبه از طریق احترام به هویت اقلیت و اکثریت به رسمیت می‌شناسد (باقری، ۱۳۹۴: ۳-۸).

شکل ۱- بسترها و زمینه‌های چالش هویت مسلمانان اروپا (با تمرکز بر فرانسه)



منبع: نویسندگان

با این وجود، آنچه در مورد مسلمانان فرانسه به چالش‌های هویتی دامن زده است، از یکسو شکست سیاست‌های اولیه ادغام‌گرایی دولت فرانسه و از سوی دیگر، ضعف اجرای سیاست تعامل‌نگر دولت فرانسه بویژه تحت تأثیر زیست اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مسلمانان این کشور و تحولات جهان اسلام، سبب شده است که چالش هویتی مسلمانان نسل دوم و سوم، در گرایش به قرائت‌های سه‌گانه اسلام سنتی^۱، اسلام سکولار^۲ و بنیادگرایی اسلامی^۳، به بحران هویتی منجر شود که در مواردی نتیجه آن، تمایل برای عضویت به گروه‌های سلفی مانند داعش و یا توسل به برخی اقدامات تروریستی در فرانسه در سال‌های اخیر از سوی اقلیتی از مسلمانان

1. Traditional Islam
2. Secular Islam
3. Islamic Fundamentalism

این کشور بوده است. در این مقاله، تلاش شده تا با بررسی پیشینه تاریخی، وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مسلمانان فرانسه، به زمینه‌های هویت‌یابی فردی و جمعی آنان، تحت تأثیر سیاست‌های دولت فرانسه و نگرش‌های موجود در میان مردم این کشور اشاره شود.

۳- دموگرافی مسلمانان فرانسه

روابط تاریخی فرانسه با جهان اسلام سبب شده که این کشور نه تنها بزرگترین جامعه مسلمانان در اروپای غربی، بلکه بزرگترین اجتماع آنان در اروپا را در خود جای داده است. اسلام، بعد از کاتولیک مسیحیت، به‌عنوان دومین دین این کشور به‌شمار می‌رود. آمارهای مرتبط با تعداد مسلمانان فرانسه بسیار متفاوت است. طبق قانون وضع شده در سال ۱۸۷۲ میلادی، دولت فرانسه در سرشماری‌های خود، پرسشی پیرامون دین، مذهب و قومیت به‌عمل نمی‌آورد. این مسأله، بدین دلیل است که از سال ۱۸۷۲، جمهوری سوم فرانسه، نگرش‌های مذهبی را امری خصوصی تلقی کرد و لذا در سرشماری‌ها، گردآوری اطلاعات درباره این موضوع متوقف شد. از این رو، آمارهای موجود بیشتر بر اساس تحقیقات مؤسسات نظرسنجی و اتاق‌های فکر است. طبق یک نظرسنجی در سال ۲۰۱۹ میلادی توسط مؤسسه نظرسنجی یوروبارومتر^۱، ۵ درصد از مردم فرانسه مسلمان هستند (Eurobarometer, 2019). این در حالی است که آمار سال ۲۰۱۵ میلادی سازمان سیا و وزارت امور خارجه آمریکا، مسلمانان این کشور را حدود ۷ تا ۹ درصد اعلام کرده بود (CIA The World Factbook, France, 2017).

شکل ۲- مقایسه جمعیت مسلمانان در فرانسه و اروپا



۴- پیشینه حضور مسلمانان در فرانسه

حضور اسلام و مسلمانان در فرانسه، به قرن نهم میلادی و فتح جنوب فرانسه توسط سربازان مسلمان اسپانیایی بازمی‌گردد. این رویداد که توسط برخی از اندیشمندان امروزی، به‌عنوان تضاد غرب و شرق از آن یاد می‌شود، با اخراج مسلمانان از اندلس به سکونت ۵۰ هزار مسلمان در فرانسه منجر شد. با این وجود، اکثر مسلمانانی که امروزه در فرانسه زندگی می‌کنند، مهاجران یا فرزندان مهاجرانی هستند که از شمال آفریقا به این کشور آمده‌اند (Henri, 1961: 564-565). حضور آن‌ها در فرانسه، نتیجه مستقیم سلطه استعماری فرانسه بر سه کشور الجزایر از ۱۸۳۰ تا ۱۸۶۲، تونس از ۱۸۸۱ تا ۱۹۵۶ و مراکش از ۱۹۱۲ تا ۱۹۵۶ می‌باشد (احمدی معین، ۱۳۹۱: ۲). این مهاجران که به‌عنوان کارگران ارزان در این کشور فعالیت می‌کردند، توسط کارفرمایان برای مقابله با جنبش‌های اجتماعی و اعتصاب مکرر نیروی کار، مورد استفاده قرار می‌گرفتند (Temime, 2001: 46).

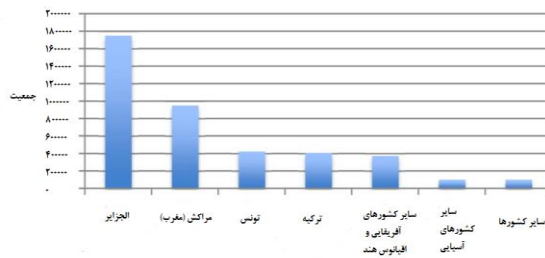
جنگ اول و دوم جهانی، نقطه عطف مهمی در روند حضور مسلمانان در فرانسه بود. در این دو جنگ، ساکنان مستعمرات فرانسه در شمال آفریقا به خدمت سربازی گرفته شدند که پس از پایان جنگ، مجموعاً حدود ۱۰۰ هزار نفر از آنان، در این کشور باقی ماندند (Gurfinkiel, 1997: 20). از سوی دیگر، در سال ۱۹۳۶، دولت سوسیالیست لئون بلوم^۱، کلیه محدودیت‌های مربوط به مسافرت و اقامت مسلمانان شمال آفریقا را از میان برداشت و باعث شد تا سیل مهاجران، از این منطقه راهی فرانسه شوند.

در این وضعیت، پس از جنگ جهانی دوم، گروه عظیمی از مسلمانان که بیشتر مرد بودند، برای کار به فرانسه مهاجرت کردند. به‌دلیل کمبود نیروی کار در فرانسه، کارفرمایان با برخی از کشورهای منطقه، به عقد قراردادهای دوجانبه اقدام ورزیدند که این روند تا سال ۷۰ میلادی ادامه داشت. در این دوره، به‌دلیل بحران بیکاری که در فرانسه همانند سایر کشورهای اروپایی به‌وجود آمده بود، دولت این کشور، سیاست جدیدی را در قبال مهاجران در دستور کار قرار داد؛ چنانچه والرئ ژیسکاردستن^۲، رئیس‌جمهوری فرانسه تلاش کرد تا از یکسو ورود مهاجران جدید را متوقف کند و از سوی دیگر، اقداماتی را برای بازگشت مهاجران به موطن اصلی‌شان انجام دهد. با این وجود، وی در اجرای این سیاست‌ها ناکام ماند (Gurfinkiel, 1997: 21).

1. Léon Blum

2. Valéry Giscard d'Estaing

نمودار ۱- جمعیت مسلمانان فرانسه بر اساس موطن اولیه



Source: Andre, Mansouri & Lobo, 2015: 297

همزمان با دوره فرانسوا میتران^۱، در خلال سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵، شمار جمعیت مسلمانان فرانسه که از شمال آفریقا به این کشور آمده بودند، به رقمی بالغ بر دو میلیون نفر رسیده بود و سیاست‌های مهاجرتی میتران نیز با نگرانی از قدرت‌یابی جریان راست افراطی، به رهبری ژان ماری لوپن^۲ با محافظه‌کاری پیش رفت و لذا تداوم حضور مسلمانان در فرانسه و روند طبیعی افزایش جمعیت آنان عملاً مسلمانان مهاجر را به بخشی از مردم فرانسه تبدیل نمود.

در این شرایط، در دو دهه اخیر، فارغ از موج جدید مهاجرت از خاورمیانه، ناشی از جنگ‌های داخلی عراق و سوریه و ...، آنچه در مورد افزایش جمعیت مسلمانان فرانسه گفته می‌شود، تحت تأثیر دو عامل مهم زاد و ولد و گرایش به اسلام در این کشور است. چنانچه بر اساس برآوردهای صورت گرفته، میزان تولد یک زن فرانسوی غیرمسلمان، ۱٫۴ کودک است؛ درحالی که این میزان در زنان مسلمان ۳٫۴ تا ۴ کودک می‌باشد (Scarborough, 2017). از سوی دیگر، اگرچه شمار افرادی که در فرانسه دین خود را تغییر می‌دهند، نسبتاً کم است؛ ولی این میزان در ۲۵ سال گذشته، دو برابر شده و این چالشی برای فرانسه است. برنارد گودارد، مسئول مسائل مذهبی در وزارت کشور، پدیده تغییر دین به اسلام بویژه پس از سال ۲۰۰۰ میلادی را چشمگیر و جالب توجه می‌داند. با این وجود، آمار دقیقی از تعداد تازه‌مسلمانان در فرانسه وجود ندارد؛ زیرا این کشور، خود را جامعه‌ای سکولار معرفی می‌کند و هیچ آماری رسمی در این زمینه نیست. اما طبق برآوردها، هر ساله ۳۶۰۰ نفر در فرانسه به دین اسلام می‌گروند. چنانچه در سال ۲۰۰۶، بیش از ۴۰۰۰ نفر در فرانسه به اسلام گرویدند (Reuters, 2007).

۵- وضعیت اقتصادی و اجتماعی مسلمانان فرانسه

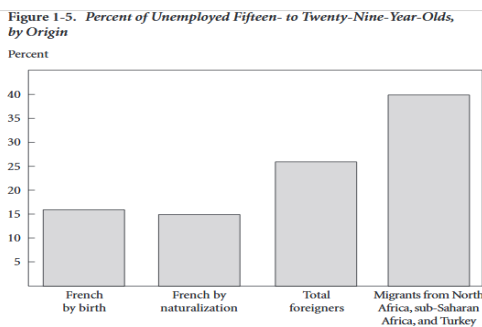
اکثر مسلمانان فرانسه، تحت تأثیر فشارهای مرئی و نامرئی به شهروندان درجه دوم این کشور تبدیل شده‌اند. مسلمانان معمولاً در قسمت‌های فقیرنشین مشخص شهرها زندگی می‌کنند و در متن جامعه فرانسه، هنوز استحکام نیافته‌اند. همین موضوع، باعث شده است که گروه‌های سیاسی

1. François Mitterrand

2. Jean-Marie Le Pen

دست‌راستی فرانسوی در زمان بروز بحران اقتصادی، موضوع باز گرداندن مسلمانان به آفریقای شمالی را مطرح نمایند. در این میان، وضعیت نابسامان اشتغال و تبعیضات ناروا نسبت به مهاجران مسلمان فرانسه، یکی از مهم‌ترین علل فقر آنان به حساب می‌آید. قوانین اجتماعی کار در فرانسه، مسأله مذهب و اعتقاد را جدا از کار دانسته است. بنابراین، همه کسانی که در فرانسه اقامت دارند، به‌طور مساوی می‌توانند در محیط‌های مختلف کاری اشتغال داشته باشند، اما در عمل، تبعیض در بکارگیری مهاجران از یکسو و در سال‌های اخیر، وحشت از بنیادگرایی اسلامی که جوی ضد اسلامی در فرانسه به‌وجود آورده است، بر چالش‌های مسلمانان در کارایی در این کشور افزوده است. مجموعه این شرایط، در عمل همزمان با بحران بیکاری در کل جامعه فرانسه، سبب شده که نرخ بیکاری و مشکلات دستیابی به شغل مناسب در میان مهاجران مسلمان، بیشتر از سایر شهروندان فرانسوی باشد؛ البته این مسأله در سایر کشورهای اروپایی نیز در جریان است، اما در فرانسه کاملاً مشهودتر است. این مسأله، در پژوهشی که توسط آلن فریکی و ژان لوک پریم ون انجام شده‌اند، کاملاً مستند شده است. براساس پژوهش آنان، درصد بیکاران ۱۵ تا ۲۹ سال در شهروندان فرانسوی، براساس موطن اصلی‌شان قابل تأمل است؛ به‌گونه‌ای که نرخ بیکاری برای فرانسوی‌تباران ۱۵ درصد، برای مهاجران به‌طور کلی، ۲۵ درصد و به‌طور خاص برای مهاجران مسلمانی که از شمال آفریقا آمده‌اند، در حدود ۴۰ درصد است (Laurence and Vaisse, 2007). از سوی دیگر، براساس پژوهش ماری ان والفورت، درباره مقایسه نرخ پاسخ به تماس متقاضیان کار مسلمان و مسیحی را که از یک کشور می‌آیند، مسلمانان بیشتر به دلیل وابستگی به اسلام - نه صرفاً به دلیل وضعیت اقلیت مذهبی آن‌ها - مورد تبعیض قرار می‌گیرند. در این زمینه، در حالی که دینداری برای مسیحیان، نوعی ضمانت و بیمه محسوب می‌شود، اما برای مسلمانان یک جریمه به حساب می‌آید؛ لذا مسلمانانی که گرایش‌های مذهبی بیشتری دارند، باید دو برابر هم‌تایان مسیحی خود درخواست دهند تا توسط استخدام‌کنندگان با آن‌ها تماس گرفته شود (Marie-Anne Valfort, 2020: ۱۰۵۰۲۲).

نمودار ۲- درصد بیکاران ۱۵ تا ۲۹ سال در فرانسه بر اساس موطن اولیه



Source: Andolfalto and others, 2002

مجموعه این شرایط سبب شده است که مسلمانان فرانسه، عموماً به کارهای بدنی اشتغال داشته و جزو اقشار فقیر این کشور به حساب آیند. آنان در وضعیتی نامناسب، در حومه‌های شهرهای بزرگ و در بلوک‌های آپارتمانی متعلق به شهرداری‌ها زندگی می‌کنند و به دلیل تبعیض‌های غیررسمی حاکم در این کشور و همچنین عدم حمایت کافی از سوی دولت فرانسه، مدام بر وضعیت نابسامان اقتصادی و اجتماعی آنان افزوده شده است (صباغیان و ترابی، ۱۳۹۵: ۱۴۶-۱۴۷).

۶- مسائل فرهنگی مسلمانان فرانسه

مسلمانان فرانسه، در مسائل فرهنگی با موضوعات مختلفی مواجه هستند. در این زمینه، علی‌رغم اجازه فعالیت دینی و شکل‌گیری سازمان‌ها و انجمن‌های متعدد دینی و مذهبی در این کشور، با محدودیت‌هایی در برخی امور مذهبی؛ مانند حجاب یا محدودیت‌هایی در حوزه آموزش و پرورش مواجه هستند که در ذیل به بررسی آنان پرداخته شده است.

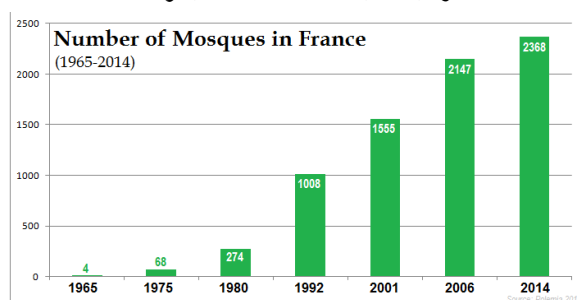
۶-۱- فعالیت دینی سازمان‌های اسلامی در فرانسه: فعالیت ادیان در فرانسه، مبتنی بر نظام لائیسیتته بنا شده است. لائیسیتته، اصطلاحی فرانسوی است که از زمان انقلاب فرانسه مطرح شده و متفاوت با سکولاریسم است. لائیسیتته، نظریه‌ای سیاسی مبتنی بر جدایی دین از سیاست و ضرورت قرار گرفتن فعالیت‌های دینی در چهارچوب قانون است. براین اساس، می‌توان لائیسیتته را سکولاریسم به سبک فرانسوی دانست که دولت تلاش می‌کند تا بر نهاد دین سلطه داشته باشد؛ درحالی که در نظام‌های سکولار، دولت کاملاً از نهاد دین جداست. تصویب قانونی در سال ۱۹۸۱ که به خارجیان امکان تشکیل سازمان‌های اجتماعی را می‌داد، چارچوبی قانونی برای ایجاد انجمن‌های مذهبی به وجود آورد. در این چهارچوب، سازمان‌های اسلامی موجود در فرانسه، در قالب سه دسته سازمان‌های بزرگ اسلام رسمی، سازمان‌های اسلامی قومی - ملی و سازمان‌های اسلامی محلی به وجود آمده‌اند.

سازمان‌های بزرگ اسلام رسمی که در سطح ملی فعالیت دارند، فارغ از هرگونه گرایش‌ای قومی و ملی، نگاهی عام به اسلام دارند و عمدتاً از دکتربین اخوان المسلمین الهام می‌گیرند این سازمان‌ها، در رقابت با یکدیگر برای دستیابی به نمایندگی «اسلام رسمی» هستند. ماهیت فعالیت‌های این سازمان‌های بزرگ، عمدتاً مبتنی بر پخش نوارهای کاست و ویدئو برگزاری سخنرانی و نیز انتشار و توزیع بروشورها و نشریات است. پیشرفت فرهنگ اسلامی با استفاده از ابزار قانونی و کمک به مسلمانان فرانسه، از اهداف این سازمان‌های اسلامی محسوب می‌شود؛ از جمله این سازمان‌های اسلامی بزرگ که در سطح ملی فعالیت دارند، می‌توان به شورای دینی

مسلمانان فرانسه^۱، اتحادیه سازمان‌های اسلامی فرانسه^۲، سازمان التبلیغ^۳ و انجمن دانشجویان مسلمان فرانسه^۴ اشاره کرد. سازمان‌های اسلامی قومی - ملی که معمولاً نمایندگان اسلام سنتی به‌شمار می‌روند، تحت‌الشعاع ملاحظات قومی و ملی قرار دارند. مهم‌ترین این سازمان‌ها، فدراسیون ملی مسلمانان فرانسه^۵، فدراسیون انجمن‌های اسلامی^۶، مسجد پاریس^۷ هستند. سایر سازمان‌های اسلامی قومی فرانسه، از جمله سازمان‌های اسلامی محلی می‌باشد (نجفی، ۱۳۷۶: ۲۲).

۶-۲- فعالیت‌های مساجد در فرانسه: با وجود تمام فشارها، فعالیت‌های مسلمانان در مساجد فرانسه گسترده است. با این وجود، در مورد تعداد مساجد، آمار دقیقی وجود ندارد؛ اگرچه همواره بر رشد تعداد آن‌ها در فرانسه تأکید شده است. در این میان، در کل فرانسه، حدود ۸ مسجد جامع و سه مرکز تحصیلی (حوزه علمیه) وجود دارد که امامان مساجد آتی را تربیت می‌کنند. علاوه بر مساجد، کتاب‌فروشی‌های اسلامی، با توزیع کتب اسلامی در زمینه‌های مختلف بویژه در میان مساجد و مراکز اسلامی و نیز جوانان و مساجد حومه پاریس، نقش مهمی در تبلیغات دینی بر عهده دارند.

نمودار ۳- رشد تعداد مساجد در فرانسه



۶-۳- وضعیت آموزش و پرورش مسلمانان: با توجه به نظام لائیسیتته در فرانسه، مدارس تحت‌عنوان مدارس اسلامی وجود ندارد. در واقع، اگرچه بر اساس قوانین مصوب سال‌های اولیه قرن بیستم، گروه‌های مذهبی می‌توانند اقدام به تأسیس مدارس خصوصی، البته بدون کمک دولت نمایند ولی مسلمانان ترجیح می‌دهند، فرزندان خود را به مدارس دولتی بفرستند؛ زیرا برای آن‌ها هیچ‌گونه هزینه‌ای در بر ندارد. در این شرایط، شرایط اجتماعی، اقتصادی، عوامل فرهنگی و یا تبعیض، نقش مهمی در افت تحصیلی و همچنین ترک تحصیل آنان داشته است.

1. French Council of the Muslim Faith
2. Union of Islamic Organizations of France (UOIF)
3. Tablighi Jamaat
4. Union of Muslim Students
5. Federation Nationale des Musulmans de France (FNMF)
6. Federation of Islamic Associations (FIA)
7. Paris Mosque

۴-۶- مسأله حجاب در فرانسه: پوشیدن حجاب در فرانسه، از سال ۱۹۸۹ به یک مسأله جنجال برانگیز تبدیل شده است. در دسامبر ۲۰۰۳، ژاک شیراک^۱، رئیس جمهور فرانسه، تصریح کرد؛ براساس هویت لائیسسته این کشور، باید قانونی مبنی بر ممنوعیت نمادهای دینی در مدارس تصویب شود. در ماه مارس ۲۰۰۴، این قانون مورد تصویب پارلمان فرانسه قرار گرفت. این قانون که گاهی از آن به عنوان قانون روسری^۲ فرانسه یاد می‌شود، پوشیدن یا همراه داشتن نمادهای دینی را ممنوع کرده است. مواردی که به واسطه این قانون در مدارس دولتی ممنوع شده‌اند، عبارت است از: حجاب، کلاه یهودیان یا صلیب‌های بزرگ مسیحیان. اما در عمل، این محدودیت-ها فقط در قبال مسلمانان اجرا می‌شود. همچنین قانون ممنوعیت استفاده از روبنده در اماکن عمومی، در فرانسه از ماه آوریل ۲۰۱۲ وضع شده است.

۷- دیدگاه متفاوت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سه نسل مسلمانان فرانسه

امروزه با افزایش تعداد مسلمانان در فرانسه، مسأله هویت مسلمانان در ابعاد وسیع‌تری مطرح گردیده است. در این میان، از یکسو اسلام تنها عاملی است که هویت آنان را تشکیل می‌دهد، اما از سوی دیگر، مسلمانان فرانسه هم از ملیت‌ها، پیشینه اجتماعی و سطوح اقتصادی متفاوتی برخوردار هستند و هم ارزش‌های اسلامی آنان با ارزش‌های حاکم در جوامع غربی مانند فرانسه تضاد دارد. این شرایط، سبب شده است تا احساس تعلق و تعریف هویت خود، بر اساس فرهنگ‌ها و ارزش‌های غربی، در تعارض با تعلق به هویت و ارزش‌ها و هنجارهای سنتی اسلامی، مسلمانان را با نوعی تعارض مواجه سازد. آنان در مقابل این بحران بزرگ قرار گرفته‌اند که چگونه سازگاری را میان ارزش‌های اسلامی و غربی در جامعه‌ای که لائیسسته، بخش مهمی از هویت آن را تشکیل می‌دهد، به وجود آورند. نتیجه این وضعیت سبب شده است که مسلمانان فرانسه را بتوان بر اساس تعلق آنان به سه نسل متفاوتی که به آن تعلق دارند، با دیدگاه‌های متمایزی در فرانسه مشاهده کرد. آنان به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، گروه نامتجانسی را تشکیل داده‌اند و بنا بر ملیت، سن، جنس و سابقه اجتماعی‌شان با اسلام، نسبت‌های متفاوتی را در قالب سه نسل زیر برقرار ساخته‌اند.

۷-۱. نسل اول؛ مهاجران مسلمان سنتی‌گرای قومی فرانسه

این نسل، شامل کارگران بازنشسته‌ای بودند که به واسطه خانواده‌های خود، رابطه‌ای عمیق با میهن مادری خود داشتند. در سال ۱۹۷۴ میلادی، دولت فرانسه قانونی را تصویب کرد که به موجب آن، به خانواده‌های این مهاجران، اقامت فرانسوی داده می‌شد و در پی این قانون، شمار زیادی از زنان و کودکان به فرانسه نقل مکان کردند. نسل اول، مسلمانان شمال آفریقا، نماینده

1. Jacques Chirac

2. l'affaire du foulard (the scarf affair)

این دیدگاه هستند. از دیدگاه آنان، هویت دینی و هویت ملی یکسان می‌باشد. در واقع، آنان به روایتی از اسلام معتقدند که در طول تاریخ کشورشان ساخته و پرداخته شده است. برای مثال؛ برداشت الجزایری‌ها از اسلام، همراه با این خاطره تاریخی است که حفظ اسلام، نقشی بسیار مهم در مبارزه علیه سلطه فرانسوی‌ها داشته است. از همین رو، آنان تمایلی نداشتند اقامت خود را در خاک فرانسه دائمی تلقی کنند و پیوستن خانواده‌هایشان به آنان در خاک فرانسه را مرتب به تعویق می‌انداختند. به همین دلیل، آنان تمایلی نیز به کسب تابعیت فرانسه نداشتند و کسب تابعیت فرانسه را خیانت به مبارزات ملتشان علیه استعمار می‌دانستند. آنان بر حفظ هویت دینی خود تأکید داشتند و در برابر همسان‌سازی، به شدت مقاومت می‌کردند و از دولت فرانسه می‌خواستند که شرایط لازم را برای ادای فرایض دینی و نیز رعایت شعائر دینی و مذهبی؛ از جمله تهیه غذای حلال، جداسازی زنان و مردان در اماکن عمومی و یا احداث مساجد فراهم سازد، اما تأکید بر هویت ملی، سبب آن می‌شود که اجتماعات مسلمان از یکدیگر جدا افتاده و گاه دیدگاه خصمانه‌ای نسبت به یکدیگر داشته باشند. همین امر باعث شده است تا در فرانسه، مسلمانان نتوانند به وحدت دست یابند و یک اجتماع یکپارچه را تشکیل دهند. حتی مساجد نیز قوم‌محور هستند و در خدمت ملیت خاصی قرار دارند. در نتیجه گاه دیده می‌شود که در یک محله، مساجد مختلفی برای ملیت‌های گوناگون وجود دارد؛ هر چند تفاوتی به لحاظ مذهب بین آن‌ها دیده نمی‌شود (Cesari, 2004).

۷-۲. نسل دوم؛ جوانان سکولار مسلمان فرانسه

شرایط برای نسل دوم مهاجران متفاوت بود؛ زیرا آن‌ها متولد فرانسه بودند و طبق قانون، دیگر مشکل ملیت فرانسوی نداشتند، اما اصلاح قانون ملیت فرانسوی در سال ۱۹۹۲ میلادی باعث شد تا اعطای ملیت فرانسوی که پیشتر به‌طور خودکار اعطا می‌شد تا سن بلوغ به تأخیر بیفتد. بسیاری از این افراد، در حومه‌های شهر ساکن هستند و دولت نیز برنامه‌ریزی اساسی برای آنان نکرده است. اولیور روی^۱ در این باره می‌گوید؛ نسل اول مهاجران، بر ملیت خود بیش از مسلمان بودن پافشاری داشتند، ولی در بین نسل دوم، این امر کمتر به چشم می‌خورد. برای نسل‌های اول مهاجران مسلمان، اسکان در خاک فرانسه به منزله نوعی تبعید بود. در این وضعیت تبعید که هرگونه ارتباط با جامعه بومی و در نتیجه راه‌های انتقال ارزش‌ها قطع شده بود، محیط برای شکاف نسلی از هر نظر مهیا گردید. علاوه بر این، مسلمانان نسل اول که اغلب از طبقات کارگر بودند، در القای ارزش‌های فرهنگی کشور خود به فرزندان‌شان ناکام ماندند و در نتیجه نسل دوم، تعالیم دینی چندان زیادی دریافت نکردند. در خانه، آنان تنها شاهد ادای فرایض دینی توسط والدین خود بودند و این والدین، چون اقامت خود را در فرانسه موقت می‌دانستند، در مورد اجرای دستورات مذهبی با مسامحه برخورد می‌کردند. همچنین هنگامی که این نسل که اکنون بین ۲۵ تا ۳۵ سال از سنش

1. Olivier Roy

سپری شده، در حال رشد بود، هیچ‌گونه مدارس قرآنی وجود نداشت؛ در نتیجه زندگی در حالت تبعیدی، زنجیره انتقال تعالیم دینی را که در جوامع روستایی شمال آفریقا توسط والدین و نیز خانواده گسترده حفظ می‌شد، از هم گسسته بود (Cesari, 2004). از این رو، نسل دوم تحت تأثیر نهادهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی فرانسه، دیدگاهی

سکولار نسبت به دین پیدا کرد. آنان عمدتاً در برخورد با اسلام، موضعی گزینشی دارند و آن قواعد و اصولی که از دین اسلام مفید می‌دانند، اختیار می‌کنند و به مابقی توجهی نشان نمی‌دهند. آنان بیشتر در جستجوی ارزش‌های اخلاقی اسلام هستند، تا در مسیر زندگی راهنمای آنان باشند. از نظر پیروان دیدگاه سکولار، «مؤمن» نه تنها باید به کسانی که به احکام دینی عمل می‌کنند، بلکه همچنین به کسانی که مشروعیت قواعد و ارزش‌های اسلامی را می‌پذیرند و به آن‌ها عقیده دارند، بی‌آنکه لزوماً به آن‌ها عمل کنند نیز تسری یابد. با این تعریف جدید از مفهوم «مومن»، آنان می‌توانند به راحتی در اعیاد اسلامی و نیز مراسم تولد، ازدواج و فوت، به سبک اسلامی شرکت کنند؛ بی‌آنکه احساس شرم، گناه و یا تعارض کنند. در اینجا باید یادآور شد که این دیدگاه، شامل همه افراد نسل دوم نمی‌شود و بسیاری جوانانی که برخلاف آنچه انتظار می‌رفت، پایبندی شدیدی به رعایت شعایر و احکام مذهب از خود نشان می‌دهند.

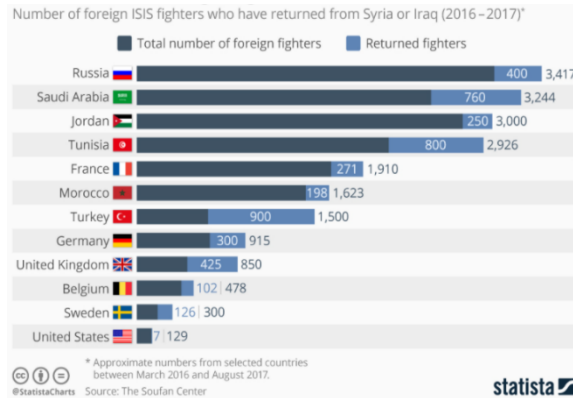
۷-۳- نسل سوم؛ بنیادگرایان مسلمان فرانسوی

شمار فزاینده‌ای از جوانان مسلمان، در جستجوی بیان و ابراز استقلال فردی خود، به پایبندی شدید به رعایت اصول و احکام اسلامی روی آورده‌اند. آنچه آنان به دنبال آن هستند، بازگشت به آن چیزی نیست که پدرانشان تعقیب می‌کردند، بلکه فاصله گرفتن از جنبه‌های بدعت دینداری آنان و عمل به احکام اسلام از روی آگاهی است، چیزی که از دیدگاه آنان «اسلام واقعی» خوانده می‌شود، در این راه آنان گاه خود با مطالعه شخصی، مسیر خود را انتخاب کرده‌اند و گاه نیز از روشنفکران و دانشجویان عرب کمک گرفته‌اند. برای برخی از این جوانان، اسلام جایگزینی برای زندگی در حاشیه است که از بیکاری، اعتیاد به مواد مخدر، الکل و بزهکاری ناشی می‌شود. برای دیگران که در پی زیر سؤال بردن ارزش‌های مرتبط با مدرنیته هستند، اسلام نیرویی است که به آنان حس تعلق اعطا می‌کند و این چیزی است که آنان در جامعه‌ای که مدارس، احزاب، اتحادیه‌ها و مشاغل و حرفه‌های آن، قادر به ایجاد احساس جمعی خیر عمومی نبوده، آن را نمی‌یابند. آنان در واقع، در اعتراض به شرایط اجتماعی نامطلوب، به اسلام توسل می‌جویند که بر اثر تبعیض با استعماری تشدید شده است. این دسته از جوانان، بجای فعالیت در مساجد، گرایش به برگزاری جلسات در محلات دارند و از دیدگاه آنان، آگاهی‌بخشی و آموزش بسیار حائز اهمیت است.

از سوی دیگر، تمایل گرایش به گروه‌های رادیکال سلفی نیز در میان این جوانان، بیش از سایر نسل‌ها وجود دارد. در این زمینه، اگرچه آماری از مسلمانان سلفی فرانسه در دست نیست، اما فرانسه عنوان پنجمین کشور جنگجویان خارجی داعش را به خود اختصاص داده است و بر

اساس یک پژوهش، ۱۹۱۰ نفر از مسلمانان فرانسه برای داعش در عراق و سوریه جنگیده‌اند که این آمار، در کنار اقدامات تروریستی اخیر در این کشور، نشان دهنده تقویت جریان‌های سلفی در فرانسه است.

نمودار ۴- تعداد مسلمانان فرانسوی عضو داعش که در جنگ سوریه و عراق، مشارکت داشته‌اند



Source: McCarthy, 2017

۸- دیدگاه‌های موجود نسبت به مسلمانان در جامعه فرانسه

یکی دیگر از مهم‌ترین ابعاد مؤثر در تشدید بحران هویت در میان مسلمانان فرانسه به دیدگاه‌های موجود، نسبت به آنان در جامعه فرانسه و دولت این کشور بازمی‌گردد. به‌طور کلی، علی‌رغم این که بخش مهمی از جمعیت فرانسه را مسلمانان این کشور در بر می‌گیرد، جامعه فرانسه دیدگاه مثبتی نسبت به مسلمانان این کشور ندارد. به‌گونه‌ای که از مسلمانان به‌عنوان یک تهدید بی‌ثبات‌کننده اجتماعی و عامل حوادث تروریستی، ناامنی، سرقت، تجاوز و انواع آسیب‌های اجتماعی یاد می‌شود. این مسأله، تحت تأثیر سه عامل زیر شکل گرفته است:

۸-۱. نقش نظام لائیسیتیه حاکم بر فرانسه بر جایگاه مسلمانان

لائیسیتیه حاکم بر نظام حکومتی فرانسه با حضور مسلمانان در این کشور، دچار چالش جدی شده است. در واقع، لائیسیتیه سبب شده، فعالیت‌های مسلمانان در این کشور با حساسیت بیشتری رصد و پایش شود و افکار عمومی نیز تحت تأثیر رسانه‌های این کشور نسبت به گسترش حضور و فعالیت‌های مسلمانان فرانسه توجه کنند. در این میان، مسلمان با پررنگ شدن نقش هویت‌ساز دین در میان جوانان مسلمان فرانسوی، تحت تأثیر تشدید فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه و موج مهاجرت از این منطقه به کشورهای اروپایی، چالش لائیسیتیه و هویت مسلمانان نیز بیشتر نمایان شده است.

۸-۲. تأثیر پیشینه نگاه استعماری به مسلمانان فرانسه

یکی از دلایل برداشت منفی از اسلام و مسلمانان در غرب، نشأت گرفته از سوابق استعماری است. در واقع، نگرش نسبت به مسلمانان در فرانسه امروز، همچنان متأثر از سابقه استعماری آن است (Tebbakh, 2007: 70). می‌توان چنین ادعا کرد که سوءظن نسبت به مسلمانان در اروپا، به‌طور اعم و در فرانسه به‌طور اخص، به قرون وسطی برمی‌گردد. با این حال، در عصر استعمار بود که استعمارگران فرانسوی، این سوءظن خود را در سرزمین‌های ماورای بحار نهادینه کردند. در دهه ۱۸۷۰، آنان یک نظام دولایه در الجزایر برقرار کردند که به موجب آن، کاتولیک‌ها و یهودیان بومی می‌توانستند فرانسوی شوند، اما مسلمانان این امکان را نداشتند. اسلام در واقع مانعی برای «فرانسوی بودن» به شمار می‌رفت و به نوعی امروزه نیز چنین است (Giry, 2006). در این چهارچوب، اسلام، دینی معرفی می‌شود که مخالف هرگونه تغییری است و دست زدن به اعمال خشونت‌آمیز را روا می‌دارد. بنابراین، فرانسویان با هم‌زمانی افزایش مظاهر اسلامی در این کشور و خیزش اسلام سیاسی در جهان اسلام، دچار سوءبرداشتی شدند که مسلمانان فرانسه را در زمره اعضای جریان‌های اسلامی بنیادگرای سلفی دانستند (Cesari, 2002: 37).

۸-۳. بازنمایی رسانه‌ای از اسلام و مسلمانان در افکار عمومی فرانسه

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر دیدگاه منفی موجود در جامعه فرانسه نسبت به مسلمانان این کشور، به بازنمایی رسانه‌ای از اسلام و مسلمانان در فرانسه بازمی‌گردد. در واقع، ارائه تصویری مخدوش از اسلام و مسلمانان و تحولات کشورهای اسلامی و روابط آنان با دنیای غرب، نقش مهمی در سوگیری ذهنی منفی شهروندان فرانسوی از اسلام و مسلمانان این کشور دارد. رویدادهای نظیر انقلاب اسلامی در ایران جنگ داخلی در الجزایر، و یا حادثه ۱۱ سپتامبر و ماجرای شارلی ابدو و یا اقدامات تروریستی اخیر در این کشور و نحوه انعکاس آن‌ها و یا تحولات داخلی؛ مانند بحران‌های اجتماعی، در فرانسه در دهه ۱۹۸۰ و شورش‌های ۲۰۰۵ بر افکار عمومی فرانسویان تأثیر گذاشته است. در این میان، شورش‌هایی که در برخی مناطق فرانسه رخ داد، عملاً به‌گونه‌ای نمایش داده شد که نشان می‌داد مسلمانان به دلیل عدم ادغام در جامعه فرانسه، هویت فرانسوی نداشته و عامل خشونت و منازعات اجتماعی هستند. در این وضعیت، با وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بازنمایی رسانه‌ای، با تمرکز بر خطر ارتباط مسلمانان فرانسوی با گروه‌های بنیادگرای اسلامی و گسترش رادیکالیسم و توسل به تروریسم در فرانسه، به شدت انعکاس یافت. در این میان، در سال‌های اخیر، مسأله‌ای که به این بازنمایی اسلام و مسلمانان فرانسه دامن زده است، ایجاد ترس از مسلمانان و تأثیر آنان بر آینده هویت و فرهنگ فرانسه به‌عنوان راهی برای کسب حمایت سیاسی در فرانسه بوده است.

۸-۴. ایدئولوژی نژادپرستی راستگرایان افراطی علیه‌السلام و مسلمانان

اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در فرانسه، برخلاف دیگر نقاط اروپا عمدتاً یک پدیده روشنفکری است و کمتر از ناامنی ریشه می‌گیرد و منشأ آن بیشتر ایدئولوژی نژادپرستانه است. در واقع می‌توان این‌گونه استدلال کرد که بهره‌برداری‌هایی که از جانب احزاب دست راستی و نیز دست راستی افراطی از حضور مسلمانان در جامعه فرانسه و قرار دادن آنان به‌عنوان سپر بلا در مواجهه با وضعیت نامطلوب اقتصادی و اجتماعی صورت می‌گیرد، در واقع ریشه‌های عمیق‌تری در افکار نژادپرستانه‌ای دارد که هم در میان نخبگان و هم در میان اقشاری از مردم رواج دارد. در واقع، اسلام‌هراسی از دهه ۱۹۸۰، همزمان با وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی اجتماعی این کشور و عمدتاً در نتیجه تحریکات حزب راست افراطی جبهه ملی نضج گرفت. طی همین سال‌ها بود که جوانان مسلمان که خود را هدف اقدامات نژادپرستانه می‌دیدند، بیش از پیش، خود را منزوی احساس کرده و به خشونت‌های خیابانی در محله‌های مسکونی خود در حومه شهرها متوسل گردیدند. در طی همین دهه بود که پرسش‌هایی درخصوص حق مشروع مسلمانان و فرزندانشان برای اقامت در فرانسه طرح شد. در دهه ۱۹۹۰، مسلمانان مهاجر در تنگنای بیشتری قرار گرفتند و وفاداری آنان به فرانسه مورد شک و تردید قرار گرفت. از نظر بسیاری از فرانسویان که تحت القاءات رسانه‌های گروهی قرار داشتند، مسلمانان قادر به سازگاری با اصول جمهوری و لائیک حاکم بر فرانسه نبودند. قضیه حجاب اسلامی در سال ۱۹۸۹، به این مسأله دامن زد که تا چه حد مسلمانان با ارزش‌های جمهوری فاصله دارند. در واقع، این حادثه شکاف میان اقلیت مسلمان و اکثریت را در جامعه فرانسه بیش از پیش افزایش داد. در سال ۱۹۹۵، فرانسه شاهد وقوع یک رشته بمب‌گذاری‌ها در پایتخت بود که به مسلمانان نسبت داده شد. این رویدادها، همزمان با رشد نهضت اسلام‌گرایی بویژه در میان جوانان مسلمان رخ می‌داد. این جوانان که از وضعیت خود در جامعه سرخورده شده بودند، به‌منظور بازسازی حیات اجتماعی خود، بیش از پیش به اسلام روی می‌آوردند. به هر حال، این اتفاقات نگرانی نسبت به جامعه مسلمان را افزایش داد.

اتفاق مهم دیگر که بر برداشت فرانسویان نسبت به مسلمانان و اسلام تأثیر منفی گذاشت، حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر بود. بنا بر یک نظرسنجی که پس از این حادثه در فرانسه صورت گرفت، ۲۲ درصد، اسلام را مترادف با تعصب، ۱۸ درصد مترادف با انقیاد و ۱۷ درصد مغایر با ارزش‌های غربی تلقی می‌کردند (Tincq, 2001). این حادثه باعث شد تا رسانه‌ها در فرانسه نسبت به رشد و توسعه اسلام‌گرایی و رادیکالیسم در خاک فرانسه احساس خطر کنند. در واقع، رسانه‌ها چنان جوی علیه اسلام و مسلمانان به وجود آوردند که حتی اقداماتی را که مسلمانان در آن‌ها دست نداشتند نیز به آنان نسبت می‌دادند. تحولات بعدی بویژه اقداماتی که پس از ماجرای شارلی ابدو به وقوع پیوست و از جمله اقدامات تروریستی اخیر نیز بر ابهام در موفقیت ادغام مسلمانان در فرانسه افزوده است.

- سیاست دولت فرانسه در قبال مسلمانان این کشور

همسان‌سازی، همان مفهومی است که پایه و اساس سیاست دولت فرانسه در قبال مسلمانان این کشور را شکل می‌دهد. این سیاست که به معنای آن است که اقلیت باید نهایتاً در اکثریت ذوب شود، ریشه در این دارد که دولت فرانسه از ابتدای تعامل با سایر ملت‌های غیرفرانسوی از دوره استعماری تاکنون، همواره تلاش کرده تا با استفاده از یک مدل ادغام به سبک همسان‌سازی، ارزش‌ها و هنجارهای خود را به سایر ملل تحت سلطه استعمار این کشور یا مهاجرانی که به فرانسه آمده‌اند، تحمیل کند و از این طریق به ادغام آنان در جامعه فرانسه مبادرت ورزد. در واقع، دولت فرانسه در صدد ادغام جمعیت مسلمان آن کشور در جامعه فرانسه است؛ به گونه‌ای که در درجه اول، فرانسوی و سپس معتقد به اسلام باشند. در این چهارچوب، دولت فرانسه در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، مجموعه سیاست‌های محدودیت‌زا و مشتمل‌سازی را پیگیری کرده است؛ به گونه‌ای که از یکسو محدودیت‌های نسبتاً شدید سیاسی - اجتماعی، به منظور مواجهه با رادیکالیسم در حوزه مذهب صورت گرفته و از سوی دیگر سیاست‌های مشتمل‌زا، برای ارتقای جریان معتدل و ادغام جمعیت مسلمان فرانسه پیگیری شده است. بنابراین، در راستای رویکرد امنیتی، دولت تلاش کرده تا مذهب بویژه آنچه نوع بد آن نامیده می‌شد و عموماً اسلام سیاسی را نمود آن می‌داند، به حاشیه براند. از برجسته‌ترین محدودیت‌های مذهبی اعمال شده در فرانسه، می‌توان به قانون ۱۵ مارس ۲۰۰۴ که روسری مسلمانان به همراه دیگر نشانه‌های تظاهر مذهبی را در مدارس ممنوع می‌ساخت، اشاره کرد. همچنین سیاست‌های اخیر دولت فرانسه، در توقف ساخت مسجد با حمایت کشورهای اسلامی؛ مانند مراکش، ترکیه و ... نیز یکی دیگر از این نمونه سیاست‌هاست. مقامات فرانسه، به‌طور فزاینده‌ای نسبت به تأثیرات بیرونی رادیکال‌سازی شهروندان بویژه از طریق امامان تعلیم دیده خارجی، در این مساجد نگران هستند.

سیاست‌های امنیتی و محدودیت‌زا، تنها یک وجه از سیاست کلی در برابر مسلمانان را به‌عنوان منبع مشکل شکل می‌دهد، اما وجه دیگر سیاست‌ها، برخاسته از نگاهی بوده که مسلمانان، راه‌حل مشکل و رهبران و سازمان‌های وابسته به آن‌ها به‌عنوان شریک دیده می‌شده‌اند. در این سیاست، تلاش شده است تا نهادها و انجمن‌های مسلمان معتدل و لیبرال حمایت شوند. این مسأله از سه طریق پیگیری شده است:

۱- ایجاد مؤسسات و نهادهای جدید مذهبی که دولت به واسطه آن‌ها سعی در اداره و کنترل جریان‌های مذهبی دارد؛ دولت فرانسه تلاش کرده تا با تأسیس نهادها و مؤسساتی، اسلام را بیشتر فرانسوی کند. هدف از تأسیس این نهادها در فرانسه آن بود تا فعالیت‌های اسلامی شفاف‌تر و آشکارتر باشد و وابستگی کمتری به خارج داشته باشد.

۲- اختصاص بودجه تحقیقات بویژه به سازمان‌هایی که اولویت‌های دولت را منعکس و ارائه راهکار می‌کردند؛ چنانچه مثلا دولت فرانسه در سال ۲۰۰۸، دوره‌های آموزش امام توسط انستیتو کاتولیک پاریس^۱ را راه‌اندازی کرد.

۳- تلاش برای تقویت جریان‌های اسلام‌گرای معتدل و حمایت از رهبران دینی که نگرش لیبرالی از اسلام دارند. در این راستا، دولت فرانسه تلاش کرده تا از نفوذ سایر جریان‌ها همچون دو مؤسسه بزرگ مسلمانان در فرانسه؛ یعنی اتحادیه سازمان‌های اسلامی فرانسه و فدراسیون ملی مسلمانان فرانسه کاسته شود. دولت فرانسه، نسبت به قدرت‌یابی این دو مؤسسه بویژه اتحادیه سازمان‌های اسلامی فرانسه، به‌خاطر ارتباط آن با اسلام سیاسی و به‌طور خاص با اخوان‌المسلمین ملاحظاتی دارد.

در مجموع، دولت فرانسه با طرح بحث اسلام فرانسوی، در صدد راه‌حلی برای این مشکل، جذب و ادغام اقلیت مسلمان در حاکمیت جامعه فرانسه می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که هدف فرانسوی بودن در درجه اول سپس حفظ اعتقاد به اسلام باشد (شاه‌بیگ، ۱۳۷۸: ۳۱). با این وجود، حادثه حمله به دفتر نشریه شارلی ابدو و اقدامات تروریستی اخیر، نشان دهنده ناکامی دولت فرانسه در سیاست‌های محدودیت‌زا، مشتمل‌زا و بویژه سیاست همسان‌سازی با تمرکز بر اسلام فرانسوی است. در واقع، علی‌رغم برخی تلاش‌های دولت فرانسه در تقویت گفت‌وگو میان اسلام معتدل، جوانان مسلمان بنیادگرای فرانسوی با ارتباط‌گیری با برخی گروه‌های سلفی توانسته‌اند، نقش مؤثری در تضعیف گفت‌وگو میان اسلام فرانسوی و سیاست‌های دولت فرانسه در قبال مسلمانان این کشور داشته باشند. در این شرایط، تشدید فعالیت‌های گروه‌های سلفی پس از ۱۱ سپتامبر بویژه در مناطق حومه شهرهای بزرگ که عمدتاً محل اسکان مسلمانان است، ممکن است خشونت و عملیات تروریستی را رواج دهد. از سوی دیگر، رویه محافظه‌کارانه سازمان‌های اسلامی؛ از قبیل اتحادیه سازمان‌های اسلامی فرانسه و مماشات آن‌ها با حکومت، مشروعیتشان را در نزد مسلمانان ناراضی از بین برده است و این مسلمانان را به سوی فردگرایی سوق داده است؛ امری که می‌تواند آنان را به افراط‌گرایی بکشاند.

نتیجه‌گیری

بحران هویت را می‌توان یکی از بحران‌های رایج در جوامع امروزی به حساب آورد. این بحران، اگرچه معمولاً بیشتر در میان جوامع و شهروندان کشورهای جهان سوم مورد تأکید و بررسی قرار می‌گیرد، اما واقعیت این است که شهروندان به حاشیه رانده شده، اقلیت‌ها و مهاجران در کشورهای غربی که در وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نابسامان بسر می‌برند نیز در معرض بحران هویتی شدیدی قرار دارند. در این چهارچوب، اگرچه امروزه بیشترین جمعیت

مسلمانان در اروپا متعلق به کشور فرانسه است، اما بررسی وضعیت مسلمانان در این کشور نشان می‌دهد که آنان تحت تأثیر فضای روانی و محیطی ناشی از محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین حاکمیت نظام لائیسیتته در فرانسه و نوع سیاست همسان‌ساز دولت این کشور با بحران هویتی جدی مواجه هستند. در این زمینه، از یکسو سطح رفاه اجتماعی و اقتصادی مسلمانان فرانسه بسیار پایین‌تر از جامعه میزبان است. مسلمانان اندکی در سطوح بالای سیاست، رسانه‌ها، قوه قضائیه، تجارت و خدمات عمومی فرانسه حضور دارند. به‌علاوه که بازنمایی رسانه‌ای اسلام و مسلمانان، به‌صورت جدی پیگیری می‌شود؛ مسأله‌ای که تأثیر بسیاری بر نگرش افکار عمومی این کشورها و شهروندان آنان نسبت به مسلمانان اروپایی دارد. این مسأله بویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و اقدامات تروریستی اروپا و بالاخص به‌تازگی پس از حادثه مجله شارلی ابدو فرانسه و اقدامات تروریستی اخیر، به اوج خود رسیده است. فضای جدید در سطوح فرهنگی و اجتماعی برای مسلمانان شرایط دشواری را ایجاد کرده که زیست سالم و ایمن را از آنان دریغ نموده است. تبلیغات وسیع آشکار و پنهان در همه حوزه‌های زندگی اجتماعی علیه اسلام و مسلمانان، از سوی جریان‌های ناسیونالیستی افراطی دست راستی که گسترش دین اسلام را در تضاد با منافع خود می‌بینند، به این جو دامن زده و مسلمانان را به انفعال واداشته است. از سوی دیگر، تفسیر افراطی از لائیسیتته به‌عنوان بنیان جمهوری فرانسه و سیاست افراطی همسان‌سازی دولت فرانسه نیز بر این بحران هویت دامن زده است. در این شرایط، تحت تأثیر شکل‌گیری گروه‌های اسلام‌گرای سلفی در خاورمیانه، زمینه جذب برخی از جوانان مسلمان به این جریان‌ها فراهم شده که به تعمیق رویکرد منفی دولت و شهروندان فرانسوی نسبت به مسلمانان این کشور افزوده است. در این شرایط، امروزه مهم‌ترین مسأله برای خود مسلمانان و دولت‌های اروپایی، مسأله هویت‌یابی در میان نسل‌های دوم و سوم مسلمانان اروپایی و رقابت میان سنت‌گرایی قومی ملی با ادغام‌گرایی در اسلام اروپایی و یا گزینه سوم؛ یعنی افراط‌گرایی و بنیادگرایی است. در واقع، این مسأله است که آینده مسلمانان اروپایی و سیاست دولت‌های این کشورها، نسبت به آنان را مشخص می‌کند و نقش مهمی در چشم‌انداز آتی جایگاه آنان در اروپا نیز دارد.

کتابنامه

- احمدی معین، محمد مهدی، (۱۳۹۱)، *آشنایی با مسلمانان جهان اسلام، مسلمانان اتحادیه اروپا*، تهران: مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- باقری، رضا، (۱۳۹۴)، *بررسی هویت اجتماعی مسلمانان نسل اول اسکاتلند، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۴(۱۶): ۱-۳۰.
- دوران، بهزاد، (۱۳۸۹)، *هویت‌یابی در عصر بحران هویت: چالش‌های سیاست‌گذاری فرهنگی*، *مجله برگ فرهنگ*، شماره ۲۱: ۱۵۷-۱۶۲.

شاه‌بیگ، حسن، (۱۳۸۷) گزارش: وضعیت اسلام در فرانسه، *مجله اسلام و غرب*، شماره ۲۴، ۴۵-۳۱

صباغیان، علی و ترابی، سمیه، (۱۳۹۵)، پیامدهای قدرت گرفتن احزاب راست بر وضعیت مسلمانان اروپا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱۷۵(۱۷): ۱۳۱-۱۵۷.

نجفی رزمی، حمید امین الشریعه، (۱۳۷۶)، *اسلام و اسلام‌گرایی (مسلمانان در فرانسه)*، دفتر تحقیقات اسلامی وزارت امور خارجه، شماره ۶، ۱۷-۲۸

References

- Ahmadi Moin, Mohammad Mehdi, (2012), *Introduction to Muslims of the Islamic World: Muslims of the European Union*, Tehran: Andisheh Sazan - e- Noor Institute. (In Persian)
- Andre, Virginie, Mansouri Fethi & Lobo Michele, (2015), a Fragmented Discourse of Religious Leadership in France: Muslim Youth between Citizenship and Radicalization, *Journal of Muslim Minority Affairs*, Volume 35.
- Bagheri, Reza, (2016), The Study of First Generation Muslims' Social Identities in Scotland, *Political Studies of the Islamic World*, Volume 4, Number 4 (In Persian)
- Cesari, Jocelyne, (2004), *When Islam and Democracy Meet: Muslim in Europe and in the United States*, New York, Palgrave
- The World Factbook: France, (2017), *CIA the World Factbook*
- De la Baum Maria, (2013), More in France Are Turning to Islam, Challenging a Nation's Idea of Itself, *The Newyork times*, February 3.
- Douran Behzad, (2010), Identification in the Age of Identity Crisis: Some Challenges in the Cultural Policy Making, *BArg-e-Farhang*, No. 21 (In Persian)
- Esposito John L (1995), *Modern Islamic World*, vol. 4, New York: Oxford University.
- Français Lire en, (2021), Building a Mosque in France, Never Easy, May Get Even Harder, *The Newyork times*, March 31.
- Gurfinkiel Michel, (1997), Islam in France: The French Way of Life in Danger, *Middle East Quarterly*, Volume IV , Number 1
- Hackett Cornrad, (2017), 5 facts about the Muslim population in Europe, *Pew Research Center*, November 29.
- Henri Lapeyre, (1961), *Géographie de L'Espagne morisque*. Revue Trimestrielle de l'Institut National D'Études Démographiques.
- Laurence Jonathan and Vaïsse Justin, (2007), Integrating Islam: Political and Religious Challenges in Contemporary France, *Brookings Institution Press*

- McCarthy Niall, (2017), *Scores of ISIS Foreign Fighters Have Returned Home*, Available at: <https://www.statista.com/chart/11613/scores-of-isis-foreign-fighters-have-returned-home/>
- Najafirazmi Hamid Amin al-Sharia, (1997). *Islam and Islamism (Muslims in France)*, Islamic Research Office of the Ministry of Foreign Affairs, No. 6, (In Persian)
- Reuters, (2007), *FACTBOX-European converts to Islam*, September 6.
- Sabbaghian Ali and Torabi Somayeh, (2016), Impact of the Empowerment of the European Right Wing Parties on the Status of the Muslims after 11 September 2001, *Political Studies of the Islamic World*, Volume 5, Number 1 (In Persian)
- Scarborough Rowan, (2017), Muslim majority in France projected in 40 years, *the Washington Times*, September 26.
- Shahbeig Hassan, (1999). Report: The Situation of Islam in France, *Islam and the West Journal*, No. 24 (In Persian)
- Tebbakh Sonia, (2007), *Muslims in EU: Cities Report, France*, Open Society Institute, EU Monitoring and Advocacy Program
- Temime Emile, (2001), Des Kabyles à Marseille: une migration précoce et durable", *Ecarts d'identité*, No 95-96
- Tincq Henri, (2001), Les France et l'islam: une religion mal aimée, des fidèles mieux intéressés" *Le Monde*, September 28
- Valfort Marie-Anne, (2020), Anti-Muslim discrimination in France: Evidence from a field experiment, *World Development*, Volume 135
- Worldmeter, (2021), *France Population*, Available at: <https://www.worldometers.info/world-population/france-population/>